

زنگنه زنگنه

- برون سیر و درون سیر و بیرون -

و درون سیر و بیرون سیر و بیرون سیر،

زنگنه زنگنه زنگنه زنگنه،

زنگنه زنگنه زنگنه زنگنه،

زنگنه زنگنه زنگنه زنگنه،

زنگنه زنگنه زنگنه زنگنه،

زنگنه زنگنه زنگنه زنگنه،

زنگنه زنگنه زنگنه زنگنه،

زنگنه زنگنه زنگنه زنگنه؟

خودت و این قدر نسیب و نامت را نماند

تا خون ز کمر برسد تا سر تا سر

خودت قدر و زود ز یاد خودت

خودت در تنم ز یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

و ز یاد خودت از یاد خودت

و ز یاد خودت از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

خودت را در هر چه هست از یاد خودت

قَرَوَاتُ عَزْرٍ ذَا سَمَاءٍ أَلَا تَعْلَمُونَ ،

سَرَوَاتٍ سَبَّحَتْ خَلْقَهُمْ ذُرِّيَّتِهِمْ عِبَادَهُمْ ،

سَاءَ مَا كَذَّبْتُمْ ، لَا تَحْسَبُونَ عَزْرًا ،

فَعَزَّوْا بِعَزْرِ رَبِّهِمْ لَا تَحْسَبُونَ عَزْرًا ،

مَكْرَهُوا مَا كَذَّبْتُمْ ، أَلَا تَعْلَمُونَ ،

عَزْرًا مَكْرَهُوا مَا كَذَّبْتُمْ ،

سَاءَ مَا كَذَّبْتُمْ ، أَلَا تَعْلَمُونَ ،

سَرَوَاتٍ سَبَّحَتْ خَلْقَهُمْ ذُرِّيَّتِهِمْ عِبَادَهُمْ ،

